

حرف درشت

آیا درخت و باد سیاسی شدند؟

● **بوريا عالمي:** آلودگي هوا از وضعيت شوخي کردن با مردم گذشته و الان دارد کارش را با مردم كاملا جدی پي می‌گیرد. در همین رابطه عیسی کلانتری، رئیس سازمان حفاظت از محیط زیست – که برای حفاظت از محیط زیست معتقد است باید آب همه‌جا را یکجا جمع کرد و چه جایی بهتر از یزد؟! - اظهارنظري کرد که اساتید دنیا انگشت‌به‌دهان گریان ماندند و سریع از تصمیم کلانتری نت برداشتند. کلانتری درباره آلودگي هوا گفته: «باید دعا کنیم باد بیاید تا آلودگي‌ها را جابه‌جا کند وگرنه آيا می‌توانیم بدون خودرو و بدون سوخت زندگی کنیم؟» مردم خطاب به مسئولان گفتند اگر به‌ دعاکردن بپردازیم که ما خودمان این‌کاره‌ایم. چند نفر از مردم که در آلودگي هوا داشتند دست‌وپا می‌زدند، خطاب به مسئولان مربوطه گفتند: «داداش شماها برید کنار باد بیاد...»

درخت‌سیاسی

از آن طرف رئیس شورای شهر تهران، محسن هاشمی، که روزهای سه‌شنبه ساعت سه شاعر می‌شود، در واکنش به آلودگي هوا، شعری از سهراب سپهری خواند و گفت: «جای مردان سیاست بنشاند درخت تا هوا تازه شود». بعد از این اظهارنظر، مردم دست‌به‌کار شدند و شروع کردند مردان سیاست را قلموکن کنند تا جای آن عزیزان درخت بنشانند. همچنین اسفندیار رحیم‌مشایی با اشاره به محسن هاشمی گفت: من درختم. کجا بنشانیدم؟ بعضی از مردان سیاست نیز با انتشار بیانیه‌ای اعلام کردند: والا بلا ما درخت که هیچی، مداد هم نیستیم؛ یعنی اصولا مثل مداد هستیم و بودوبودمان فرق نمی‌کند. با ما مثل درخت برخورد کنید لطفا. بعضی از درخت‌های خیابان ولیعصر و باقی باغات تهران نیز با دردت‌داشتن عکس‌هایی از فامیل‌های درختی‌شان که به دست بعضی از دلاوران شهرداری و بعضی از زمین‌خوارها و بسازبفروش‌ها شبانه قطع شده بودند، جلوی شورای شهر تهران تجمع کردند و گفتند: شما ما درخت‌ها را از ریشه نزنید و برج و ساختمان نسازید، باقیش پیشکش.

حرف‌درشت

بعد از اینکه رئیس سازمان محیط زیست و رئیس شورای شهر تهران باد و درخت را مسئول آلودگي هوای تهران اعلام کردند، تولید باد و تکیه‌دادن به درخت از سوی شهروندان ممنوع اعلام شده است. بر اساس این گزارش، هیچ شهروندی حق ندارد جلوی باد را بگیرد وگرنه به اتهام اخلاخ در کار رئیس سازمان محیط زیست، از درخت آویزش می‌کنند.

شترت روزنامه

www.sharghdaily.ir

چهارشنبه ۲۹ آذر ۱۳۹۶ • ۱ ربیع‌الثانی ۱۴۳۹ • ۲۰ دسامبر ۲۰۱۷ • سال یازدهم • شماره ۳۰۳۹ • ۱۶ صفحه • اذان ظهر تهران ۱۲:۰۲ • اذان مغرب ۱۷:۱۴ • اذان صبح فردا ۵:۴۰ • طلوع آفتاب ۷:۱۰

روزنامه‌فردا

fardashargh@gmail.com

کارتون خواب





بانک تجارت

روابط عمومی

به همراهی با شما می‌بالیم از دیروز تا فردا

در سی و هشتمین سالروز تاسیس بانک تجارت

فردا را به نور امید پیوند می‌زنیم






tejaratbank



tejaratbank2



tejaratbank.ir

از دوران باستان، اجتماعی‌بودن یا مدنی‌بودن انسان مورد توافق همه طوایف و قبایل و ادیان و مکاتب بشری بوده، به همین جهت انسان موجودی بالطبع مدنی و اجتماعی نامیده شده است، اما اینکه انسان موجودی است مدنی یا اجتماعی، طبیعتا اقتضا می‌کند که در گام نخست بتواند با هموع خود همزیستی داشته باشد. این همزیستی نیز اقتضا می‌کند که همزیستی، هم درون‌دینی باشد و هم برون‌دینی؛ به این معنا که هر طایفه‌ای و هر ملتی و هر کیشی، هم درون دایره اعتقادات خود با هم‌مسلمانان خود بتواند زیست کند و هم با پیروان سایر ادیان، گرایش‌ها و مکاتب، این اولا در نگاه قرآنی و گفتمان وحیانی ما بسیار تجلی پیدا کرده است؛ به‌عنوان‌مثال در سوره بقره، آیه ۶۲ وقتی نگاه می‌کنیم که خداوند می‌فرماید کسانی که ایمان آورده‌اند و کسانی که آیین یهودیان و ترسایان (مسیحیت) و صابنان را برگزیده‌اند، اگر به خدا و روز واپسین ایمان داشته باشند و کار شایسته کنند، خداوند پاداش نیک به آنها می‌دهد و نباید درواقع ترس و حزنی داشته باشند. این بیانگر آن است که رویکرد وحیانی و رویکرد الهی به انسان، فردینی است و اگرچه در اندیشه دینی، ما اسلام دین خاتم و دین اکمل است،



عبدالله ناصری

اما به‌هیچ‌وجه هم‌زیستن با پیروان سایر ادیان و مکاتب نفی نشده، بلکه بر آن تأکید شده است؛ چون خداوند پیامبر را برای یک مأموریت اخلاقی مبعوث کرد، چون اخلاق امری فردینی بود یا باز در قرآن در سوره یونس، آیه ۹۹ خداوند با لحنی شبه‌خطاب‌آلود و عتاب‌آمیز به پیامبر می‌گوید اگر خداوند می‌خواست، همه را مسلمان می‌کرد. آیا تو جبرا و از سر اکراه آنها را به دین وادار می‌کنی؟ یا در جای دیگری اشاره می‌کند که خدا اگر می‌خواست، شما را امت واجده قرار می‌داد، اما هنوز مختلف و متکثر هستید. این آیات و آیات دیگری که در گفتمان وحیانی و گفتمان الهی هست، بیانگر این است که درواقع پذیرش تکثیر یک حقیقت الهی و فطری است که ما نمی‌توانیم آن را نادیده بگیریم، نکته دیگری که باید به آن توجه کرد اینکه همین انسان هم‌زیست که چه درون‌دینی و چه برون‌دینی زیست می‌کند، همدرد هم هست؛ یعنی احساس همدردی و همبستگی عاطفی و اخلاقی با انسان‌های دیگر هم دارد. به‌همین جهت نیازمند یک چارچوب اخلاقی است. از سوی دیگر این انسان هم‌زیست برای اینکه زیست اجتماعی خود را شکل بدهد، نیازمند یک‌نوع هم‌شناسی است. این هم‌شناسی اقتضا می‌کند که انسان نیازمند دایره و وسعت حقوق دیگران باشد. این صورت‌بندی اجمالی که اشاره شد، نشان می‌دهد که انسان فارغ از گرایش‌های دینی و اعتقادی خودش بایستی مدنی، اجتماعی، همزیست و نهایتا همسته و همراه باشد و طبیعتا برای اینکه این باهم‌زیستن و

سلام به فردا

انسان، موجود همبسته

به مناسبت روز همبستگی بین‌المللی انسان‌ها

همبستگی را بتواند تنظیم کند، در دنیای امروز نیازمند یک نظم ملی و التزام جهانی نیز هست، ما به نیکی می‌دانیم که دنیای امروز، دنیایی جهانی‌شده است و عصر امروز بشری، عصر جهانی‌شده است، بنابراین صورت‌بندی مذکور در زیست جهانی به‌طور طبیعی تعریف می‌شود و انسان‌ها طبعاً باید همبستگی جهانی خود را فارغ از حوزه و هویت دینی و ملی خود پاس بدارند، اما نکته‌ای که در این تأسیس و تشکیل همبستگی یا تقویت همبستگی در جهان امروز باید به آن توجه کرد، نقش دولت‌هاست. در گام نخست دولت‌ها برای اینکه بتوانند همبستگی را تقویت کنند و همبستگی جهانی را شکل بخشند، باید آزادی را ضمانت کنند و از تجاوز به حقوق ممنوع و حقوق بشر جلوگیری کنند. ما بر این باوریم که خلقت انسانی از جانب خداوند بر اساس فطرت الهی شکل گرفته تا موجب آگاهی کلی او نسبت به وجود خداوند و شناخت خداوند باشد. بنابراین انسان‌ها فطرتا همسو و هم‌جهت هستند. من معتقدم که بر اساس فطرت الهی، انسان موجودی دین‌گیز نیست. همچنان‌که منطقیون، از جمله سقراط و ارسطو در بیش از دو هزار سال پیش انسان را حیوان ناطق نامیده‌اند و هزار سال بعد فیلسوف انسان‌گرا و اومانبستی به نام اوبوحتیان توحیدی در کتاب «الصادقه و الصدیق» انسان را حیوان همدرد و ابتکارگر نامید، در هزاره سوم می‌توان به‌جرت گفت که انسان موجودی است همبسته با انسان حیوانی است همبسته، مشترک و همدرد.

زنانی که من دیدهام

به پیشواز روشنایی

زهر ا عمرانی

ملانی نقطه اتصال بچه‌ها بود، صمیمی و رک‌وراست، عاشق تفریح و دور هم جمع‌شدن، البته محتاط و دوراندیش، همان اوایل ترم به بهانه هم‌فکری روی یکی از تمرین‌ها شبی مرا به خانه‌اش دعوت کرد. همسرش شام، خوش کاری و سبزیجات درست کرده بود، انتخابی هوشمندانه و از سر احترام برای میهمانی که پوست تیره داشت و از شرق (EAST) آمده بود. اولین میهمانی دورهمی بچه‌های دانشگاه را چند هفته بعد در خانه‌اش برگزار کرد. بعدتر فهمیدم هدفش از دعوت تهابی من به خانه‌اش این بود که تعصبات فرهنگی مرا بسنجد و بفهمد تا چه حد می‌توانم با بچه‌های دیگر بجوشم.در جشن پایان ترم دانشکده، ملانی سفره دلش را برابرم باز کرد. خانواده‌اش از یهودیانی بودند که در جنگ جهانی آواره شده و از لهستان به آمریکا مهاجرت کرده بودند. مادرش روان‌شناس بود؛ مذهبی و بسیار متعصب، هرچند به قول ملانی، دینداری متعصبانه‌اش دخلی به سیاست نداشت، اما تعصب و اصرار مادر ملانی به تربیت مذهبی بچه‌ها سبب شده بود از همان عنوان جوانی از پدر ملانی – که او هم دینداری متعصب، اما منطقت‌تر از مادر بود – جدا شود. ملانی یک خواهر بزرگ‌تر و دو برادر دوقلوی کوچک‌تر از خودش داشت. مادر یکتنه و به‌سختی آنها را در نیوجرسی بزرگ کرده بود. ملانی، مادر را قدر می‌نهاد و باوجود روحیه شاد، برون‌گرا و رفتار مدرن و به ظاهر غیرمذهبی‌ای که داشت، بخشی از تربیت مادر در ذهنش رسوب کرده بود و نسبت به رعایت‌نکردن احکام دینی عذاب وجدان داشت. در نوجوانی، ملانی عاشق پسری مسلمان و هندی شده بود، عشقشان در برابر مخالفت سفت‌وسخت هر دو خانواده، چندان دوام نیاورد بود. حالا هفت سال از ازدواج ملانی گذشته بود؛ ازدواج با همسری که در خانواده‌ای مسیحی به‌دنیا آمده، اما مذهبی نبود؛ همسری بسیار همراه و فهمیده؛ مردی دنیادیده با درکی عمیق از دنیای پیرامونش. قصد داشتند بچه‌دار شوند؛ اما مردد بود که بچه‌ها را چطور بزرگ کنند؟ به دین خودش، همسرش یا بگذارند خود بچه‌ها بعدا انتخاب کنند. اینکه ملانی این‌گونه سفره دلش را باز کرده بود برابرم عجیب بود، اما گویی او برای انتخاب شنونده‌اش دلیلی داشت. آن‌روزها زمان «روزه»‌شان بود؛ برای ۲۵ ساعت هرگز نباید می‌خوردند یا می‌آشامیدند. از من پرسید: «روزه‌داری برایت سخت نیست؟» ملانی عذاب وجدان زیادی داشت، بیشتر از آن‌رو که خیال می‌کرد مادرش از بی‌توجهی او به احکام و سنت‌ها آزرده می‌شود. گفت: «وقتی بچه بودیم در زمان روزه، مادر همه غذاها را در کمد می‌گذاشت و چیزی روی میز نبود. کاش من هم این کار را با خودم می‌کردم». ادامه داد: «تو مسجد مسلمان‌ها را در این شهر پیدا کرده‌ای؟» گفتم چطور؟ گفت: «هر شهر جدیدی که می‌رویم، من به دنبال کنیسه می‌گردم. در این شهر هم یکی پیدا کردم، اما از من خیلی دور است. بعد از مدت‌ها بالاخره یک روز رفتم، اما احساس کردم آنجا هیچ جایی ندارم. همه خیلی پیر بودند، روسری یادم رفته بود و مرا با سرزنش نگاه می‌کردند. وقتی بیرون آمدم، نفس راحتی کشیدم، اما مادرم را چکار کنم که مدام می‌پرسد، به کنیسه سر زده‌ام یا نه؟» ملانی، دختر آمریکایی مدرنی که اگر برابرم درد دل نمی‌کرد هرگز باور نمی‌کردم این‌همه دغدغه مذهب و تکرانی مادرش را داشته باشد. او شنونده‌اش را به درستی انتخاب کرده بود؛ انکار با هم بزرگ شده بودیم، در یک فرهنگ و جغرافیا. عید بزرگشان همین روزهاست، هانوکا، هم‌زمان با یلدا. این هفته حتما ملانی در کنار همسر و دو فرزندش هر شب یک شمع روشن می‌کند – به امید پیروزی نور بر تاریکی – و هر شب برای فرزندانش قصه آدم‌ها و باورهایشان را می‌گوید. حتما یکی از این شب‌ها برای بچه‌هایش تعریف می‌کند که در شرق کره زمین، برخی بلندترین شب سال را جشن می‌گیرند و با شعر به پیشواز روزهای روشن و طولانی می‌روند و او در آن حوالی دختری را می‌شناسد که دغدغه‌هایی شبیه او دارد.

پرنده آبی

سؤال‌هایی از رئیس‌جمهور

قرار دارد؟ این سؤال مطرح است که چرا مسئولان کارکنسته‌ای، از وزیر کشاورزی تا دیگر افراد سابقه‌دار در سیاست سعی نمی‌کنند به شکل بهتری با مردم روبه‌رو شوند. این باور که رئیس‌جمهور به انجام خواسته‌های مردم و مطالباتشان بی‌اعتناست، از ویژگی‌های مطالبات مطرح‌شده در شبکه‌های اجتماعی است. به نظر می‌رسد فعالیت تیم رسانه‌ای رئیس‌جمهور بیش از هر زمان دیگری باید در مسیر پاسخ به این سؤال‌ها و سؤال‌های زیاد دیگری که مدام از سوی رأی‌دهندگان و طرفداران مطرح می‌شود، گام بردارد.

سختان رئیس‌جمهور درباره بودجه و بحث شفاف‌سازی کمتر از آنکه انتظار می‌رفت مورد قبول کاربران شبکه‌های اجتماعی قرار گرفت. کاربران از اینکه جزئیات بودجه ۹۷ از اصل ۱۷ تا بودجه مخصوص مراکز مختلف که تا به حال برای بسیاری از مردم ناشناخته بوده، مطرح شده، استقبال کردند. روحانی گفته است: «باید هر بودجه‌ای به هر دستگاهی تخصیص می‌دهند، در سلیات اعلام شود و مردم بدانند». این سخنان هم به نحوی مورد استقبال قرار گرفت: «طرف می‌خواهد درس بخواند از همسایه می‌پرسد این کسی

که در خانه با او زندگی می‌کند، همسرش است؟ این غلط‌ها چیست؟» بیشتر کاربران اکنون انتظارات خود و مطالبات خود را با صراحت بیان می‌کنند و بیشتر هشتک‌ها بر مبنای همین خواسته‌هاست. اکنون در بیشتر شبکه‌های اجتماعی سخن از این است که چرا فیلم #عصبانی‌نیستم اکران نشد و چرا رئیس‌سازمان حفاظت از محیط‌زیست به‌جای هرگونه توضیح فنی و اقدام عملی عنوان کرده است: «باید دعا کنیم #باد بیاید». اکنون در شبکه‌های اجتماعی این سؤال از رئیس‌جمهور مطرح است که فرهنگ و هنر در کجای سیاست‌هایشان